

بررسی توانمندیهای اقتصادی زنان قالیباف تکاب افشار و نقش آنان در توسعه روستایی مطالعه موردی روستاهایی شهرستان تکاب (استان آذربایجان غربی)

دکتر محمدصادق علیائی^۱، دکتر مهدی دهقان نیستانی^۲

چکیده

زنان در فرایند توسعه همه کشورها نقشی مهم و تاثیر گذار دارند و زنان روستایی قالیباف افشار شهرستان تکاب نیز به مشابه سایر زنان روستایی کشور توانمندی اقتصادی دارند که می تواند کمک موثری در توسعه روستایی و اقتصاد کشور و خانوار نماید. این زنان در کنار کارهای کشاورزی، دامداری، فعالیتهای خانه داری مشغول بافتن قالی هستند که در جهت اشتغالزایی، افزایش درآمد خانوار و جلوگیری از روند بی رویه مهاجرت روستایی به شهرها و همچنین کمک موثر به اقتصاد کشور در راستای صادرات غیر نفتی دارد که از نظر بافت و نقشه در سطح جهانی برای خودش جای پای باز کرده است. مهمترین هدفی که در این مقاله مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است بررسی توانمندی اقتصادی زنان و تاثیر آن بر توسعه روستایی و اقتصاد خانوار در ایران است. توانمندی زنان خود شامل شاخصهای متعددی از نظر اقتصادی و تولیدی می باشد. روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایشی، توصیفی و اسنادی بوده و ابزار گرد آوری اطلاعات بصورت پرسشنامه و همگام با مصاحبه بوده است. جامعه آماری در این تحقیق عبارت است از زنان متاهل مناطق روستایی شهرستان تکاب از توابع استان آذربایجان غربی می باشد. با توجه به آزمون آماری کوکران، نتایج این مطالعه نشان می دهد هر چه زنان توانمندیهای زنان بالاتر رود، موجب افزایش قدرت اقتصادی خانواده گردیده و از طرفی نیز قدرت اجتماعی آنان در سطح جامعه و خانواده بیشتر گردد، تحقق این امر مستلزم بالا بردن سطح آموزش حرفه ای و تحصیلات آنان است که نیاز به مدیریتی با جهت گیری مثبت در مورد ارتقاء جایگاه واقعی آنان است.

کلید واژه ها: زنان روستایی، توانمندی اقتصادی، توسعه روستایی، قالی افشار، اقتصاد خانوار، تکاب افشار

۱- عضو هیئت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (دپارتمان معاونت پژوهش و فناوری) نویسنده و مسئول e-mail: msoliaei@gmail.com

۲ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

مقدمه و بیان مساله:

تجارب به دست آمده از رویکردهای مختلف توسعه در دهه های گذشته بیانگر آن است، که درون زا بودن توسعه، اتکا به منابع خودی، استفاده بهینه از منابع مختلف، توازن و تعادل در توسعه از عوامل اصلی دوام آن به شمار می آیند. توسعه روستایی به عنوان هدف توسعه و یا راهبرد دستیابی به آن در بسیاری از کشورها به ویژه در کشورهای در حال توسعه که بخش زیادی از جمعیت آنها در روستاها زندگی می کنند، مورد تاکید برنامه ریزان این کشور قرار گرفته است. البته این نوع از توسعه نیازمند روش شناسی و پژوهشهایی است که کشوری با کشور دیگر تفاوت دارد و باید در چارچوب نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هر کشور تعیین شود (کولایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۰).

اهمیت توسعه روستایی در کشورهای کمتر توسعه یافته به دلیل نقش مهم نواحی روستایی در اقتصاد آن ها است. به طور کلی توسعه روستایی به عنوان راهبردی برای بهبود زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی روستاییان در نظر گرفته شده است. توسعه مناطق روستایی ایران یکی از محورهای اصلی سیاست دولت بعد از انقلاب بوده و در بیشتر موارد این موضوع به عنوان محور سیاست های توسعه ای تلقی شده است. این مسئله وقتی بیشتر ضرورت می یابد که نتایج عدم موفقیت سیاستهای توسعه ای قبل از انقلاب، در حل دشواری توسعه نیافتگی روستایی را بیش از پیش درک کنیم (شکوری، ۱۳۸۰: ۵۶).

انسان ها مهم ترین عامل توسعه اند. در این میان زنان نیمی از منابع انسانی هر جامعه ای را تشکیل می دهند. بنابراین، برنامه- ریزی اصولی برای آن ها باید از بنیادهای مهم هر جامعه باشد، به ویژه اینکه در نظر گرفتن این جمعیت، چه به عنوان تولید کننده، چه به عنوان خدمت رسان و یا حتی مصرف کننده، در تعادل و توازن توسعه نقش اساسی دارد. در واقع این نکته توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است که در الگوی توسعه در کشورهای غربی به طور معمول فرایند نوسازی و حرکت در جهت پیشرفت مادی و فکری، با ورود هر چه گسترده تر زنان به حوزه های عمومی همراه بوده و سهم آنان برای تصمیم در حوزه های گوناگون افزایش پیدا کرده است. (کولایی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱).

ارزش کار زنان روستایی چه در کشورهای توسعه یافته و چه در حال توسعه همواره از بعد تاریخی مورد غفلت قرار گرفته است. در این راستا فعالیتهایی که از سوی زنان روستایی در کشاورزی معیشتی، بازارهای کار محلی و مزارع و دامداری و همچنین در تولید صنایع دستی و خانه داری انجام می گیرد، در اندازه گیری فعالیتهای اقتصادی کشور نادیده گرفته می شود. این گرایش همانگونه که راجرز ابراز کرده است، بخصوص در ارزشیابی کار زنان روستایی، جایی که محدوده میان فعالیتهای اقتصادی و غیر اقتصادی از جنبه آماری به صورتی قراردادی تعیین می شوند مشاهده می شوند و بطور کلی اطلاعات آماری و جمعیتی زنان روستایی را طبقه بندی غیر شفاف و به عنوان کار افراد خانواده بدون دستمزد قرار داده است و در نتیجه میزان مشارکت آنها در کار کشاورزی و همچنین فعالیت های تولیدی دیگر چون صنایع دستی، قالیبافی، گلیم بافی، دامداری و موارد دیگر بسیار ناچیز شمرده می شود (آگهی و همکاران ۱۳۷۸: ۱۸۲).

بنا بر این یکی از ابعاد توسعه ی روستایی، توسعه انسانی است که دارای دو جنبه می باشد: جنبه ی نخست شامل شکل گیری و توانمندی های انسانی مانند سلامتی، دانش، و جنبه ی دوم کاربردی است که مردم می توانند از این قبیل توانمندی ها برای اوقات فراغت، دنبال کردن اهداف سازنده، فعالیت در امور اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشته باشد.

برخی نقش توسعه‌ی انسانی را فراهم ساختن مجموعه‌ای از استراتژی‌های توسعه، شایستگی‌ها و توانمندی‌های افراد می‌دانند که برای پاسخگویی به نیازهای فوری و پیوسته در تغییر کسب و کار بکار گرفته می‌شود.

در این راستا می‌توان گفت جامعه‌ای می‌تواند توسعه‌یابند که همه‌ی افراد آن جامعه ظرفیت توسعه‌پذیری را داشته باشند و روش‌هایی مناسب برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار بیابند، تحقق این موضوع تنها زمانی امکان‌پذیر است که زنان یک جامعه به عنوان نیمی از نیروی انسانی، جایگاه خود را در روند توسعه داشته باشند (پاپ‌زن و همکاران ۱۳۹۰: ۲۴). از این رو با توجه به این نکته که زنان در کانون اصلی توسعه قرار دارند، دارای اهمیت بسیار است زیرا آنان اغلب اقتصاد غیر پولی را با پرورش نسل و تدارک نیروی انسانی و مدیریت اجرایی امور خانواده و کشاورزی معیشتی در کنترل خود دارند.

با این اوصاف زنان روستایی سهم به‌سزایی در درآمد خانواده دارند و بر اساس بررسی‌های میدانی که در منطقه مورد مطالعه قرار گرفته است علاوه بر انجام سایر کارهای مربوط به زنان شامل کشاورزی، دامداری، خانه‌داری و ... ۹۸ درصد تولید قالی دست‌بافت افشار در روستاها بر عهده زنان می‌باشد (علیائی، ۱۳۸۹: ۴۵).

بنابراین در این مقاله یک سوال اصلی که زنان قالیباف روستاییچه نقشی در توسعه روستایی و اقتصاد خانوار دارند مطرح و سپس فرضیه‌های که به شرح زیر مطرح خواهد شد از طریق آمارهای پارامتری و ناپارامتری تعبیه شده در نرم افزار SPSS مورد سنجش و تحلیل آزمون قرار خواهد گرفت:

- ۱- به نظر می‌رسد بین تحصیلات زن و تولید قالی توسط وی در درآمد خانوار رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین درآمد زن و تولید قالی توسط وی در درآمد خانوار رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین سن زن و تولید قالی توسط وی در درآمد خانوار رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین درآمد شوهر و تولید قالی توسط وی در درآمد خانوار رابطه معنی‌داری وجود دارد.

مبانی نظری

امروز در رویکردهای توسعه، به جای توجه به افزایش شاخص‌های رشد اقتصادی، به افزایش فرصت‌های عمومی و نقش‌آفرینی گروه‌های مختلف اجتماع توجه می‌شود و توسعه پایدار یک اجتماع حاصل مشارکت همه اقشار می‌باشد، البته این مشارکت نیز در گرو توجه به نیازها و مسائل اقشار مختلف جامع و به‌طور کلی توجه به توانمندی آنهاست. در واقع ارزش‌های اصلی توسعه پایدار را باید در ارتقای کیفیت زندگی، یعنی توانمندسازی زنان و مردان در تامین نیازهای اساسی، تلاش در جهت رفع اختلاف طبقاتی در جوامع، رشد آگاهی عمومی، اعتماد به نفس و اعتقاد عامه مردم به اهداف توسعه و حفظ امنیت و آزادی جستجو کرد در این میان نظریه و رویکرد توانمندسازی زنان برخاسته از طرح موضوعی همچون توسعه انسانی و عدالت جنسیتی است و از طریق مفاهیمی نظیر انتخاب، قدرت کنترل بر زندگی خود و منابع، توانایی تصمیم‌گیری و دارا بودن مهارت‌های زندگی و به‌طور کلی، از طریق اثرگذاری بر آنچه در زندگی فردی و خانوادگی اهمیت دارد، تبیین و تعریف می‌شود که نتیجه آن، بهبود کیفیت زندگی است (سعدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۹). توانمندسازی زنان فرایندی پویاست که توانایی زنان را برای تغییر ساختارها و ایدئولوژی‌هایی که آنها را در موقعیت فرودستی نگهداشته است، در بر می‌گیرد. این فرایند زنان را در دستیابی بیشتر به منابع و کنترل بر زندگی کمک می‌کند، موجب احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتر آنها می‌شود و غزت نفس آنها را افزایش می‌دهد. سریلاتا باتلیوالا^۲، توانمندی زنان را به این صورت تعریف می‌کند: توانایی زنان برای به دست آوردن آگاهی و

کنترل کردن نیروهای شخصی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی با هدف اقدام برای بهبود زندگی شان (منون، ۲۰۰۳: ۱۴۲) کلمه بی و بی نیز توانمندی زنان را فرآیندی می دانند که زنان طی آن برای سازماندهی خود توانمند می شوند، اعتماد به نفس خود را افزایش می دهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابع که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی آنها می شود، دفاع می کنند، دومین عنصر عاملیت است، یعنی اینکه زنان را نباید فقط به عنوان دریافت کنندگان خدمات در نظر گرفت، بلکه خود زنان باید به عنوان بازیگران اصلی در فرآیند تغییر به ویژه در تدوین انتخاب های مهم زندگی و کنترل بر منابع و تصمیماتی که تاثیر مهمی در زندگی ایشان دارند، در نظر گرفته شود. سومین عنصر دستاوردها یا پیامدهاست که در اثر فرآیند توانمند سازی ایجاد می شود. (سعدی وهمکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۰)..

توانمند سازی موضوعی است چند بعدی که می تواند در ابعاد مختلف تحقق یابد. ، توانمند سازی زنان را وابسته به دامنه ای از عوامل می داند که ابعاد روانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را شامل می شود. همچنین، شش بعد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، سیاسی، روانی، قانونی و حقوقی، را در توانمند سازی زنان مد نظر قرار می دهد. ارتقاء توانمندی زنان در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی یک شرط لازم برای توسعه پایدار است. این امر در نواحی روستایی که زنان از دیر باز و بطور سنتی در کارهای اقتصادی خانواده مشارکت داشته اند، از ضرورت بیشتری برخوردار است. به طوری که در حال حاضر توانمند سازی زنان روستایی در ابعاد مختلف یکی از موضوعات محوری در فرآیند توسعه برای بسیاری از کشورها است. فعالیت های اقتصادی زنان روستایی نقش موثری در اقتصاد مناطق روستایی دارد. تولید صنایع دستی، به ویژه فرش دستباف یکی از این فعالیت ها است که در اکثر مناطق روستایی ایران از گذشته های دور رواج داشته است. به طوری که برخی معتقد است به هر میزان زنان روستایی به امکانات، منابع و مهارت های متعدد دست یافتند موجب گردید که مقام و منزلت آنها در سطح جامعه ارتقاء یابد و از طرفی در اقتصاد خانوار و جامعه کمک موثر نماید و این تفکر که زنان عناصری غیر فعال هستند که فقط وظیفه خانه دای را بر عهده دارند به مرور از اذهان زدوده خواهد شد (علیائی، ۱۳۸۶: ۱۲۲).

بنا بر این می توان گفت توسعه در ایران و تاثیرش بر خانواده و زنان، ویژگیهای خاصی را آفریده است، اگر توسعه در غرب از بار وظایف زن کاسته است در ایران هسته ای شدن خانواده، وظایف خانگی وی را افزایش داده و بر تنوع نقش های او افزوده است. نقشهایی که در گذشته اصلاً وجود نداشت و یا او با دیگران در آن سهیم بود. نظریه پردازان نوسازی معتقدند میزان بهره وری مطلوب زمانی به دست می آید که وظایف خانگی را زن و مرد هر دو با تقسیم کار در خانواده انجام دهند. از آنجا که بهره وری هر ملتی وابسته به کار و تلاش همه اقشار جامعه است، این بهره وری معیاری برای ارزیابی نتایج این فعالیتها در بخش های مختلف اقتصادی و اجتماعی است. طبیعتاً افزایش بهره وری در خانواده منجر به افزایش بهره وری در کل جامعه می شود. اکثر زنان بدون اینکه بدانند، با فعالیتهای شبانه روزی خود موجب افزایش بهره وری در خانواده و در نهایت در جامعه می شوند. برای اینکه بهره وری زنان چه شاغل و چه خانه دار، را ببینیم باید ویژگی های کاری آنها را در منزل ارزیابی کنیم. به نظر می رسد در خانه اولین کسی که از خواب بیدار می شود و آخرین کسی که می خوابد زن خانه است. طی این مدت کارهایی را انجام می دهد که ویژگی های خاص خود را دارد: اول اینکه ضمن متنوع بودن، کسل کننده و تکراری است، و دوم اینکه از نظر حجم، کارهای خانگی زن خانه دار چیزی نزدیک به دو برابر کار سنگینی است که مردان در کارخانه ها و صنایع انجام می دهند (لهسایی زاده وهمکاران، ۱۳۸۰: ۹۵).

بر اساس مطالعاتی که در مورد وضعیت زنان ایران انجام شده است. برای رسیدن به سطوح ایده آل توسعه، انجام فعالیت های نظیر ترویج و آموزش بهداشت، آموزش روش های بهبود تولیدات کشاورزی و سواد آموزی، امری اجتناب ناپذیر است. مطالعه موردی روستای آهندان تهران نشان داده است که زنان این روستا نقشی مهم در امر تولید دارند و اگر رئیس خانوار به ازای کار زنان مزد پردازد، زراعت مقرون به صرفه نخواهد بود. این وضعیت در مورد خانوارهای کم زمین و متوسط، یعنی حدود ۷۶ درصد خانواده های روستایی صادق است، زنان روستایی زمان خود را به شش مسئولیت عمده اختصاص می دهند که شامل: وظایف همسری، مادری، کدبانوی خانه، فعالیت های اجتماعی، فعالیت های کشاورزی و کارهایی که در ازای آن مزد دریافت می کنند. این مطالعه نشان می دهد که زنان و دختران، بیشترین وقت خود به کشاورزی و تولیدات خانگی اختصاص می دهند. بنابراین توجه به آموزش و توانمند سازی زنان در این زمینه امری مهم می باشد (پاپ زنوهمکاران، ۱۳۹۰: ۲۵ و ۲۶).

بنابراین نظریه های که در ارتباط با نقش زنان مطرح شده است بصورت خلاصه مورد اشاره قرار میگیرد:

نظریه رفاه:

این نظریه قدیمترین و هنوز هم متداولترین چارچوب نظری در کشورهای در حال توسعه است و بر مبنای سه پیش فرض بنا شده است:

- زنان عوامل دریافت کننده، بدون شرکت فعالانه در فرایند توسعه و فقط گیرنده کمکها به حساب می آیند.
 - نقش مادرانه مهمترین نقش اجتماعی اوست.
 - بدنی آوردن بچه و بزرگ کردن او موثرترین نقش زنان در همه اشکال توسعه است (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۱۲).
- این نظریه بر خانواده متمرکز است و نقش زنان را به عنوان متولد کننده و به عرضه رساننده کودک مد نظر دارد. روش اصلی در اجرای اصول این نظریه پرداخت کمکهای نقدی، کالا و خدمات مجانی و ... به زنان تشخیص داده شده و زنان همچون معلولین، بیماران و سالمندان به عنوان گروه های آسیب پذیر شناسایی شده اند.

• نظریه برابری (عدالت)

تجربیات و پژوهشهای دهه ۱۹۷۰ نشان داد که نتیجه کار زنان بخصوص زنان روستایی که از مولدین اصلی بخش کشاورزی هستند در آمارهای ملی به حساب نمی آید. از سوی دیگر نوآوری در فناوریها تاثیر منفی بر کار زنان روستایی داشته و با جابجایی آنها از فعالیتهای تولیدی اساسی باعث از دست رفتن موقعیت گذشته آنها شده است. در نتیجه به نظر می رسد پیشرفت فناوری بجای ارتقاء موقعیت زنان روستایی به پایین آوردن مقام اجتماعی آنها کمک نموده است. در حالی که تصور همگان بر این بود که گسترش فناوریهای نوین و یا به عبارت دیگر مدرنیسم، برابری جنسیتی را بدنبال خواهد داشت.

بدین ترتیب تمامی کمکها و اقدامات صورت گرفته در قالب برنامه های توسعه بجای کاهش نابرابریها باعث افزایش آن میان زنان و مردان گردید (شادی طلب، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

• نظریه فقر زدایی

در مجموع مباحث "زنان و توسعه" می توان بحث "فقر زنان" و نظریه فقرزدایی را ردیابی کرد. این چارچوب نظری بجای تاکید بر تساوی میان زنان و مردان در همه ابعاد به نابرابری اقتصادی میان این دو می پردازد.

این نظریه به امید ایجاد کار، فعالیت اقتصادی زنان، استقلال مالی، کاهش نابرابری اقتصادی و سپس حذف نابرابری در سایر زمینه ها تدوین شده است. بنابراین تامین نیازهای راهبردی جنسیتی در گرو استقلال اقتصادی زنان دیده شده و این مهمترین تفاوتی است که نظریه برابری با فقرزدایی دارد. (شادی طلب، ۱۳۸۰: ۱۳۴).

• نظریه توانا سازی

این چارچوب نظری بیشتر بر اساس شرایط کشورهای در حال توسعه و ناشی از تجربیات سازمانه ای دست اندر کار مسائل زنان طراحی شده است. محور اصلی این نظریه تغییر ساختار و شرایطی است که نابرابری رابه زنان تحمیل می کند. با در نظر گرفتن اینکه نابرابریها در هر نقطه از دنیا با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و ... متفاوت است، این نظریه بر پیش فرضهای زیر استوار است:

*ارتقای توان زنان برای اتکا به خود موجب افزایش قدرت آنها خواهد شد.

*قدرت نشانه برتری فرد بر فرد نیست، بلکه حق انتخاب در زندگی و تاثیر گذاری بر انتخابهاست.

*ارتقای موقعیت زنان بر موقعیت مردان هدف نیست، بلکه کنترل منابع مادی و غیر مادی می تواند به توزیع عادلانه تر و برابری کمک کند.

از نظر طرفداران این نظریه، برآورده ساختن نیازهای اساسی از حقوق اولیه تمام افراد است و هر فردی باید امکان آن را داشته باشد که از تمام تواناییها و خلاقیتهای خود استفاده کند. بنابراین زنان باید بیاموزند که با خوباوری و اعتماد به نفس در پذیرش و توزیع مسئولیتها چه در خانواده و چه در جامعه شرکت کنند.

بنابراین نظریه توانا سازی ترکیبی از نظریه های رفاه، برابری و فقرزدایی است با این تفاوت که طرفداران این نظریه بریا عینیت بخشیدن به تغییرات بلند مدت به امید آغاز و ایجاد آن در سطوح بالای تصمیم گیری سازمان های دولتی باقی نمانده، بلکه تلاش سازمان های غیر دولتی زنان و گروه های مشابه برای بسیج سیاسی، آگاه سازی و آموزش همگان (زن و مرد) را ضروری می دانند. به عبارت دیگر روش دستیابی به نیازهای راهبردی جنسیتی، انتظار تغییر قوانین و جاری شدن آن از بالا به پایین نیست.. بلکه توانا سازی زنان به ارتقاء آگاهیهای مردان و زنان از طریق سازمان های غیر دولتی باید راه موفقیت را هموار سازد.

لذا مبنای فکری این تحقیق نیز در چارچوب این نظریه استوار می باشد که اگر توانا سازی زنان با یک اصول وقاعده کلی صورت گیرد نقش تعیین کننده آنان در جامعه و خانواده بیشتر خواهد شد و نقش اساسی را در اقتصاد خانوار و توسعه روستایی در راستایی اشتغالزایی و جلوگیری از مهاجرت و ... را ایفاء خواهند نمود (شادی طلب، ۱۳۸۰: ۱۳۵-۱۳۶).

توانمندی اقتصادی زنان در توسعه روستایی و وضعیت آموزش آنان

از دیدگاه اقتصادی، توانمند سازی زنان به منظور گسترش کنترل آنان بر کل فرایندهای اقتصادی است نه تنها اجرای برخی از امور تولیدی است. بر این اساس زنان باید امکان پرورش، استفاده از خلاقیت ها و توانایی های خود را داشته باشند. هدفی که در این نوشتار در نظر است به آن پرداخته شود آن است که هر چه زنان توانمند تر شوند، بر میزان نقش آنان در توسعه روستایی و اقتصاد خانوار به طبع در اقتصاد کشور افزوده خواهد شد و زنان می توانند در آینده نقش موثرتری در کنار مردان، در توسعه روستایی ایفا کنند. البته نقش آموزش در توانمندی زنان که از کارهای اساسی و اصلی سیاست گذاری دولتی است از مباحث بسیار مهم در این زمینه به شمار می آید. پس برای اینکه این امر تحقق پیدا کند:

۱- حضور زنان در امور تولیدی و توانمند سازی آنان یکی از پایه های اصلی روستایی است.

۲- ارائه آموزش به همراه واگذاری مسئولیت به زنان، از پایه های اصلی توسعه در روستا به شمار می آید.

۳- رونق بخشیدن به فعالیت های اجتماعی و اقتصادی زنان از پایه های اصلی توسعه روستایی است.

اگر چه نقش زنان در توسعه ی کشاورزی و روستایی بر هیچ کس پوشیده نیست و مروری بر نگاهته های موجود در این زمینه شاهدهی است بر انفجار مطالعاتی که نقش زنان را در توسعه ی کشاورزی و روستایی بررسی می کند، مشکلات زنان به عنوان نیمی از پیکره جامعه انسانی به دلیل کمبودهای شخصی ایشان نمی باشد، بلکه آنان به وسیله یک نظام اجتماعی که در آن تبعیضات، صورت قابل قبولی دارد، عقب نگه داشته شده اند. مطالعات کشورهای گوناگون نشان داده است که زنان روستایی تنها ۳۴ درصد از خدمات آموزشی-ترویجی را دریافت می کنند. در جوامع گوناگون روستاهای آفریقا، زنان ۷۰ درصد از کل فعالیت های کشاورزی را انجام می دهند. بر اساس گزارش سازمان فائو در سال ۱۹۷۵، زنان روستاهای آفریقا ۱۰۰ درصد فعالیت های تولید غذا، ۵۰ درصد فعالیت های دامپروری و ۶۰ درصد فعالیت های بازاریابی را انجام می دهند. در ایالت آیوا، ۵۰ درصد زنان در برنامه ریزی، ۹۲ درصد آنان در فرایند و ۷۹ درصد آنان در بازاریابی تولیدات کشاورزی فعالیت دارند، روستاهای نیجریه افزون بر تولیدات زراعی، در سایر فعالیت های مانند دامداری، شیلات و جنگلداری نیز فعالیت دارند. با وجود نقش عمده که زنان در تولیدات کشاورزی در این کشورها دارند ولی گرایش آموزش های ترویجی بیش تر به طرف مردان بوده و زنان مورد غفلت قرار گرفته اند (پاپ زن وهمکاران، ۱۳۹۰: ۲۵).

سنجش توانمندی اقتصادی-اجتماعی زنان قالیباف

بررسی مطالعات انجام شده در خصوص توانمندی اقتصادی و اجتماعی نشان می دهد که محققان در تحقیقات خود از شاخص های مختلفی جهت سنجش توانمندی استفاده کرده اند. توانمندی اقتصادی و اجتماعی را شاخصی ترکیبی می داند که موقعیت اجتماعی و اقتصادی فرد در جامعه را نشان می دهد. شاخص هایی که جهت سنجش توانمندی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی مورد استفاده قرار می گیرد در مطالعات مختلف بسته به نوع هدف تحقیق متفاوت هستند. به طوری که برخی بررسی میزان توانمندی زنان در ابعاد اقتصادی و اجتماعی شاخص های کسب یا افزایش درآمد، توانایی بازپرداخت وام، قدرت پس انداز کردن، مشارکت اجتماعی و استقلال فکری را مورد استفاده قرار داده اند، بر اساس داشتن شغل درآمد زاء، میزان درآمد، سطح تحصیلات و میزان تملک دارای سنجیده اند. (سعدی وهمکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

با توجه به مباحث فوق و همچنین با توجه به هدف پژوهش که بررسی توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی به صورت خاص می باشد، سعی شده از شاخص هایی که به نوعی به حرفه قالیبافی مربوط می شود، استفاده می شود. بنابراین به منظور سنجش توانمندی اقتصادی زنان قالیباف، شاخص های درآمد حاصل از قالیبافی، میزان تولید و دسترسی به تسهیلات قالیبافی مورد سنجش قرار گرفته است که در جدول شماره (۱) به صورت جزئی ذکر گردیده است.

جدول ۱: شاخص های سنجش توانمندی اقتصادی زنان قالیباف

نوع شاخص توانمندی	مولفه	معرف ها
توانمندی اقتصادی	درآمد حاصل از تولید قالی	درآمد حاصل از قالیبافی در طول مدت یک سال (۱۳۹۱)
	ظرفیت تولید قالی	میزان ظرفیت تولید قالی دستباف در طول یک سال (۱۳۹۱)
	استفاده از امکانات تعاونی	میزان رضایت از عملکرد تعاونی فرشبافان، امکانات تعاونی، نحوه ارائه خدمات تعاونی
	دسترسی و سهولت استفاده از تسهیلات بانکی	میزان دسترسی به وام و تسهیلات قالیبافی، رضایت از مبلغ اقساط پرداختی، رضایت از مبلغ وام دریافتی، کافی بودن مبلغ وام برای فعالیت قالیبافی، رضایت از زنان و نحوه باز پرداخت اقساط، سهولت دسترسی

موقعیت جغرافیایی شهرستان تکاب

تکاب یکی از شهرهای جنوب شرقی استان آذربایجانغربی است. این شهر از سمت شمال به شهرستان چهار اویماق در استان آذربایجان شرقی، از سمت جنوب به شهرستان های بیجار، دیواندره و سقزدر استان کردستان، از سمت شرق به ماه نشان در استان زنجان و از سمت غرب به شهرستان شاهیندر، شهرستان بوکان در استان آذربایجان غربی محدود شده است. شهرستان تکاب بنابر قانون تقسیمات کشوری در سال ۱۳۸۵ خورشیدی، مشتمل بر دو بخش به نام های مرکزی و تخت سلیمان، یک شهر (تکاب) و ۶ دهستان بوده است.

تخت سلیمان از مهم ترین جاذبه های گردشگری در این شهر است که در میراث جهانی یونسکو ثبت شده است.

ویژگیهای فرش دستباف افشار تکاب

آذربایجان در قرن سوم هجری قمری از بزرگترین مراکز بافت قالی در کشور بوده و در دوره های سلجوقی و ایلخانی که معمولا زنانشان به قالی بافی اشتغال داشتند و گره ترکی (ایلمه) که یکی از گره های رایج در قالیبافی بوده و متمایزتر از گره فارسی است در منطقه افشار ترویج نمودند. این هنر در آذربایجان از روتق خاصی برخوردار بود، از طرفی میناتورهای نسخه خطی خمسه نظامی نثر قاسم علی و برخی آثار دیگر نشان می دهد قالیبافی در دوره تیموری و سپس در دوره صفویه نیز سیر تکاملی خود را طی کرده است. امروزه آذربایجان یکی از مراکز مهم تولید انواع قالی در ایران است و بافتن انواع قالی در بیشتر شهرها و روستاهای آن رایج است. از جمله معروفترین مناطق قالی در استان آذربایجانغربی، شهرستان تکاب است و قالی افشار شهرت جهانی دارد اگرچه اقتصاد تکاب افشار کشاورزی و دامداری است و از این حیث تقریبا خودکفا و صادر کننده است، اما بخش مهم دیگری از اقتصاد منطقه که تولید محصولات صنایع دستی می باشد بر عهده زنان فرشباف است که حدود ۹۸ درصد تولید قالی دستباف افشار توسط زنان و دختران روستایی تکاب صورت می گیرد... و این تولید (روستا و شهر) نزدیک به پانزده هزار مترمربع می باشد...

بر اساس بررسی هایی انجام گرفته قالی و قالیچه های نفیس و گرانبهای افشار محبوبیت خاصی در بازارهای فرش دنیا دارد، و از حیث رنگ و مرغوبیت و طرز بافت و نقشه از فرش های درجه اول است. هرچند گاهی قالیچه های آن چنان ظریفی توسط زنان و دختران ماهر و هنرمند تکاب افشار بافته می شود، که می توان آن را در کیف دستی جای داد. لیکن در اثر بی توجهی در هر بره ای از زمان این صنعت نام آشنایی جهان بنام یکی از شهرها که از نظر تقسیمات کشوری و یا جغرافیایی که هیچگونه ارتباطی به هم نداشته اند به نام آن شهرها مانند بیجار، زنجان، همدان و گاهی مراغه و تبریز ارائه و یا ثبت شده است، اما در کل افشار شهرت و معروفیتش افشار به کیفیت و دوام آن است و به عنوان فرش آهین معروف می باشد و خانواده های بسیار زیادی از طریق بافت این فرشهای دستباف امرار معاش می کنند. فرش دستباف افشار تکاب

به نوعی سوغات و شناسنامه این شهر محسوب می‌شود. بنابراین بر اساس بررسیهای که انجام گرفته این فرش متعلق شهرستات تکاب بوده (تکاب افشار) و شهرهای دیگر از فرش تکاب الگو برداری کرده اند (علیائی، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

نقشه های رایج و مورد استفاده در فرش افشار

به دلیل ماهیت فرش دستباف افشار به مرور زمان جهت جهت بالا بردن ظرافت این فرش هنرمندان اقدام به تهیه انواع گوناگونی از نقشه ها برای راهنمایی بافندگان و تلطیف از رنگها نموده که با بررسی عمقی این نقشه ها میتوان گفت که برخی از نقشه ها بر گرفته از موقعیتهای اجتماعی و جغرافیای طبیعی منطقه بوده و بطور خاص مربوطه به این منطقه میباشد. تعدادی از نمونه های رایج نقشه های موجود در منطقه که در بافت و رنگ آمیزی فرشها استفاده می شود به شرح جدول شماره (۱) می باشد.

جدول ۲: نقشه های رایج در منطقه

ردیف	نام نقشه
۱	قوشخانه
۲	ساده ماهی
۳	مار ماهی
۴	زیرخاکی
۵	قوچانی
۶	نقشه ترمه
۷	شاه عباسی
۸	لچک ترنج کربلای فتحعلی
۹	گل فرنگ
۱۰	نقشه مواد اوغولبیگ
۱۱	لچک ترنج سه متن
۱۲	لچک ترنج پنج متن
۱۳	لچک ترنج هفت متن
۱۴	حاجی خانی
۱۵	تمام گل مانند تخت جمشید که یک تکه بافته می شود
۱۶	نقشه بیجار
۱۷	نقشه شیخ صفی
۱۸	مار ماهی اصفهان
۱۹	نقشه چراغتنه (محبوبه)

ماخذ جدول مطالعات میدانی نگارنده سال ۱۳۹۱

نخ های رایج و مورد استفاده درقالی دست بافت افشار

در قالی افشار از نخهای پشمی متعدد استفاده می کنند در زمانهای گذشته قبل از دهه پنجاه معمولاً از پشمهای دامهای موجود در منطقه که بصورت سنتی توسط زنان با ابزارهای سنتی ریسیده میشد استفاده میگردد و این پشمها توسط رنگرزه های محلی درخم خانها با رنگهای طبیعی گیاهی رنگرزی میشد ولی بعد از دهه پنجاه رنگهای شیمیایی به مرور زمان جایگزین رنگهای طبیعی گردیده و دردهه های هفتاد نیز رنگرزه های محلی نیز جمع آوری شده و عموماً پشمهای

فرشها بصورت آماده و رنگرزی شده از کارخانجات مانند تبریز، قم، کاشان، یزد و... در اختیار بافندگان قرار میگیرد، در جدول شماره (۲) به چند نمونه از پشمهای رایج در منطقه به شرح زیر اشاره می گردد.

جدول ۳: پشمهایی رایج و مورد استفاده در تولید قالی دست بافت افشار

ردیف	نوع پشم	محل تولید
۱	نخ چین روز	کشور چین
۲	نخ کرکی	خارجی
۳	مرینوس	خارجی
۴	نساج درجه یک	خارجی
۵	نساج سوپر یک	داخلی
۶	نساج درجه ۲	داخلی
۷	نخ خاکریز	داخلی
۸	پشم ایران	داخلی
۹	کاشان	داخلی
۱۰	نخ دباغی	داخلی
۱۱	نخ منطقه	داخلی

ماخذ جدول مطالعات میدانی نگارنده سال ۱۳۹۱

اندازه قالی های تولیدی دست بافت افشار در منطقه

در منطقه تولید قالی ها بستگی به جمعیت و تعداد بافنده در خانوار دارد هر تعداد میزان بافنده در خانوار بیشتر باشد معمولا اندازه های قالی نیز بزرگتر در نظر گرفته میشود و در برخی مواقع نیز اندازه های قالی بستگی به خریداران فرش در کشورهای مختلف دارد که براساس سلیقه و سفارش تجار انجام میگردد. در جدول شماره (۳) اندازه های قالی که در منطقه تولید و به بازار عرضه می گردد به شرح زیر مورد اشاره قرار میگردد

جدول ۴: اندازه قالی های رایج تولید شده در منطقه

ردیف	نوع قالی	اندازه
۱	پشتی	۶۰*۵۰
۲	مخده	۹۰*۷۰
۳	رومیزی	۱۵۰*۹۰
۴	یک ونیم متری تبریز	۱۷۰*۱۱۲
۵	پرده ای	۲,۵*۱,۵
۶	دومتر پنج چارک	۲۲۵*۱,۲۵
۷	۶متری	۳*۲
۸	۱۲متری	۳*۴
۹	کناره	۳*۹۰
۱۰	۹متری	۳,۵*۲,۵

ماخذ جدول مطالعات میدانی نگارنده سال ۱۳۹۱

روش تحقیق

روش مورد نظر در این پژوهش، روش پیمایشی است و همچنین از روشهای توصیفی و اسنادی نیز بهره جسته ایم ضمنا روش پیمایشی جمع آوری اطلاعات برای توصیف و تجزیه و تحلیل روابط بین متغیرها است. هدف روش پیمایش آن است که با مقایسه دقیق ویژگی های مختلف مورد ها به استنباط علمی نائل آید. روش پیمایش روشی است که در آن افزون بر پرسشنامه از فنون دیگری از قبیل مصاحبه عمیق، مشاهده و جز اینها استفاده می شود. در این تحقیق، جامعه

آماري شامل حدود ۴۱۰۰ نفر از زنان متأهل ساکن در روستاهای شهرستان تکاب می باشد. در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران به شرح زیر استفاده شده است:

$N =$ حجم جامعه آماری که در این تحقیق ۴۱۰۰ نفر زن متأهل ساکن در روستاهای شهرستان تکاب می باشد.

$T =$ مقدار اشتباه استاندارد لازم برای دستیابی به ضریب اطمینان معین، که چون ضریب اطمینان ۹۵٪ در نظر گرفته شده t معادل ۱/۹۶ خواهد بود.

$D =$ دقت احتمالی است و معادل ۰/۰۵ می باشد.

$P =$ احتمال وقوع ارزش افزوده و q احتمال وقوع ارزش افزوده می باشد و محقق هر دو احتمال را ۰/۵ فرض نموده است. باقرار دادنارقام فوق در فرمول کوکران حجم نمونه به دست آید.

حجم جمعیت نمونه طبق فرمول کوکران و متناسب با جمعیت کل زنان متأهل ساکن در روستاهای شهرستان تکاب محاسبه و ۲۵۰ نفر تعیین گردید که با توجه به شبه و نقص دار بودن بعضی از پاسخها از ۳۲۰ نفر زن نمونه پرسشگری به عمل آمد که در نهایت ۲۵۰ پرسشنامه کامل و معتبر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این تحقیق نمونه گیری به روش تصادفی ساده انجام شد. بدین صورت که افراد (زنان متأهل) به صورت تصادفی جهت پاسخگویی به سوالات پرسشنامه انتخاب شدند. اطلاعات در این تحقیق از طریق مراجعه به منازل و انجام مصاحبه که با روشهای فوق انتخاب گردیدند و پرسشنامه تکمیل شده جمع آوری شدند، سپس اطلاعات جمع آوری شده از طریق پرسشنامه وارد نرم افزار SPSS گردید و براساس روشهای آماری تعبیه شده در این نرم افزار و از طریق آمارهای استنباطی با توجه به سنجش متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون مورد تحلیل و آنالیز قرار گرفت شد.

تحلیل داده ها:

در این بخش از پژوهش با توجه به آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره، به بررسی عواملی (متغیرهای مستقل) که می توانند کل ارزش افزوده ایجاد شده توسط زنان را تحت تاثیر قرار دهند یا در حقیقت به رد یا اثبات فرضیات این پژوهش کمک کند، پرداخته شده است.

فرضیه اول: به نظر می رسد بین تحصیلات زن و تولید قالی توسط وی در درآمد خانوار رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول مربوطه رابطه بین تحصیلات زن و تولید قالی (فرضیه اول) نشان می دهد. همچنان که از داده ای این جدول نمایان است میزان تحصیلات زن با توجه به سطح معنی داری دارای رابطه معنا دار اما معکوس با متغیر وابسته است. یعنی با افزایش سطح تحصیلات زنان مورد مطالعه، از میزان تمایل زنان برای تولید قالی کم شده و در نهایت در درآمد خانوار نیز تاثیر گذاشته و بر عکس آن نیز صادق بوده بطوریکه زنانی که سطح سواد پایین تر داشته یا بیسواد بوده معمولاً بیشتر گرایش به تولید قالی دارند و به نوعی در سهم افزایش درآمد خانوار نیز تاثیر گذاشته است

جدول ۵: ضریب همبستگی بین تحصیلات زن و تولید قالی

متغیر مستقل	ضریب همبستگی	سطح معناداری
تحصیلات زن	-۰/۲۰۱۰	۰/۰۵۹

فرضیه دوم: به نظر می رسد بین درآمد زن و تولید قالی توسط وی در درآمد خانوار رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول مربوطه رابطه بین متغیر درآمد زن و اشتغال آن در تولید قالی را نشان می دهد. همچنان که از داده های جدول ذیل نمایان است متغیر میزان درآمد زن با توجه به سطح معنی داری رابطه معنادار با متغیر وابسته (در اشتغال در قالی بافی)

ندارد، زیرا داشتن منابع مالی و درآمد زن نمی تواند مانعی در قبال اشتغال او در قالبیافتی گردد بنابراین تجزیه تحلیل آماری جدول زیر نیز این موضوع را تایید می کند

جدول ۶: ضریب همبستگی بین درآمد زن و تولید قالی توسط وی در درآمد خانوار

متغیر مستقل	ضریب همبستگی	سطح معناداری
درآمد زن	-۰/۰۰۰۸	۰/۹۶۵

فرضیه سوم: به نظر می رسد بین سن زن و تولید قالی توسط وی در درآمد خانوار رابطه معنی دار وجود دارد. جدول مربوطه رابطه بین سن زن و تولید قالی توسط وی در درآمد خانوار را نشان می دهد. همچنان که تحلیل آماری این جدول نشان میدهد سن زن با توجه به سطح معنی داری دارای رابطه معنی دار با متغیر وابسته در سطح بیش از ۹۹ درصد است. اما این رابطه با توجه به ضریب همبستگی معکوس می باشد. یعنی با افزایش سن زنان مورد مطالعه اشتغال آنان در کارهای قالی بافی کاهش می یابد.

جدول ۷: ضریب همبستگی بین سن زن و تولید قالی

متغیر مستقل	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سن زن	-۰/۳۳۰	۰/۰۰۰۰

فرضیه چهارم: به نظر می رسد بین درآمد شوهر و تولید قالی توسط وی در درآمد خانوار رابطه معنی داری وجود دارد. جدول رابطه بین درآمد شوهر با تولید قالی توسط زنده درآمد خانوار را نشان می دهد که متغیر درآمد شوهر با توجه به سطح معنی داری دارای رابطه معنی دار در سطح بیش از ۹۹ درصد با متغیر وابسته است. اما این رابطه با توجه به ضریب همبستگی، معنادار و معکوس می باشد.

یعنی با افزایش میزان درآمد شوهر، از میزان اشتغال زنان برای تولید قالی توسط زنان مورد مطالعه در خانوار کاسته می شود. به هر حال وقتی که درآمد شوهر بالا می رود و اشتغالات او بیشتر می گردد بنابراین مردان خیلی تمایل ندارند زنانشان در قالبیافتی نیز اشتغال پیدا کنند و بیشتر تمایل دارند زنان به امورات خانواده و برخی کارهای همسرانشان به پردازند و برعکس آن نیز صادق است مردانی که شغل ثابت و دائمی ندارد و میزان درآمد آنان کم است عموماً علاقمند هستند زنانشان در قالبیافتی اشتغال داشته باشند که این فرضیه بیش از ۵۰ درصد به منطقه مورد مطالعه صدق می کند

جدول ۸: ضریب همبستگی بین درآمد شوهر و تولید قالی توسط زن در درآمد خانوار

متغیر مستقل	ضریب همبستگی	سطح معناداری
درآمد شوهر	-۰/۴۳۱۱	۰/۰۰۰۰

نتیجه گیری و پیشنهادها

امروزه توسعه، تنها به معنای افزایش تولیدات کشاورزی، بهبود تغذیه، و در یک کلام، رفاه عمومی و بهبود سطح زندگی روستائیان تلقی نمی شود، بلکه توسعه یعنی بکارگیری تجربیات و اندوخته های مردم به منظور استفاده بهینه از منابع محلی و بارور ساختن آنها برای دستیابی به رفاه اجتماعی است. بنابراین مسیر توسعه، نه از کنار مردم، بلکه از درون مردم می گذرد و به مردم ختم می شود. بنابراین ضرورت و اهمیت بررسی، شناخت و برنامه ریزی به منظور بهره مندی مطلوب از منابع انسانی به ویژه مولدین و مبدلین برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور لازم ضروری است. در این میان نقش زنان روستایی، بعنوان اهرم های مهم، و نیروهای پیش برنده اساسی جامعه روستایی، سالهاست که در توسعه، بعنوان موضوعی بین المللی مورد توجه قرار گرفته، و توجه جدی جهانیان را به خود جلب کرده و زمینه های لازم را برای توجه هر چه بیشتر

به مسائل زنان فراهم آورده است. در سالهای اخیر مسأله اصلی برای سازمانها و مجامع بین‌المللی و بسیاری از حکومت‌ها، مشارکت دادن زنان در توسعه یا به عبارت دیگر دخالت دادن هرچه بیشتر آنها در برنامه‌ها و جریانات اصلی توسعه و جوامع مختلف بوده است.

زنان روستایی به عنوان یکی از عناصر نامرئی و نامشهود در اقتصاد کشاورزی، سهم عظیمی از کل نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی و صنایع دستی بخصوص تولید قالی رادر سطح جهان و چه در ایران دارند. زیرا آنان ۵۰ درصد جمعیت جهان و حدود ۶۶ درصد کل ساعت کار (اعم از کار دستمزد یا بدون دستمزد) و ۵۰ درصد سهم درآمد خانوار را، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، به خود اختصاص داده‌اند. ارقام و آماری که در رابطه با میزان فعالیت‌های زنان ارائه می‌شود، بسیار پائین‌تر از حد واقعی است. فعالیت‌های خانه‌داری و کارهای بدون دستمزد آنان منظور نمی‌شود. زنان روستایی وظایف و نقش‌های مختلف و متعددی بر عهده دارند: همسر، مادر، تولیدکننده محصولات زراعی، شریک در فعالیت‌های دامداری، دخیل در امر کاشت، داشت، برداشت، فرآوری، بازاریابی، صنایع دستی و تهیه خوراک و غذا. فعالیت‌های روزمره زنان در امور کشاورزی، فرآوری، بازاریابی محصولات و تولید صنایع دستی، همگی شواهدی هستند که دلالت به نیازمندی به وجود زنان در تولیدات روستایی می‌کنند.

با توجه به مطالعات انجام شده، روند تاریخی توسعه اقتصادی و اجتماعی حاکی از آن است که کشورهایی عقب مانده هستند که توازن مناسب و مطلوب بین مشارکت زنان و مردان در آنها فراهم نشده است، و فرصت منصفانه و برابر از آنان سلب گردیده، و یا در جوامعی که زنان نقش مؤثری در فرایند توسعه ندارند و به نحو مطلوب در فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفته نمی‌شوند، بازدهی مردان نیز کمتر از جوامعی است که مرد و زن دوشادوش یکدیگر از فرصتهای برابر اشتغال برخوردارند.

امروزه مطالعات نشان می‌دهد که جامعه پیش از آنکه متأثر از خلیات مردان و شرایط محیطی باشد، از شخصیت و آموزشهای زنان تأثیر می‌گیرد و از این رو در فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی، اثرگذاری آنان به مراتب بیش از مردان است. برای اینکه جامعه روستایی بتواند به توسعه ایده‌آل برسد، باید از وجود نیروهای خلاق و اثرگذار زنان روستایی، استفاده کند.

از آنجا که در کشور ما به علت محدودیتهای سنتی هنوز نقش زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی بخوبی روشن نگردیده است، این تحقیق سعی دارد تا حدی از توانمندیهای اقتصادی زنان روستایی را که در افزایش درآمد خانوار ارتباط دارد، تبیین کند. از مهمترین یافته‌های این پژوهش، که نقش مؤثر زنان را در فعالیت‌های اقتصادی مورد تأیید قرار داده می‌توان به ارزش نیروی کار آنان اشاره نمود، که بدون در نظر گرفتن فعالیت‌های مربوط به خانه‌داری، پرورش و تولید نسل، به طور متوسط در روز چندین ساعت در فعالیت‌های کشاورزی و تولید صنایع دستی مشارکت دارند، و از این محل درآمد قابل توجهی به درآمد خانوار می‌افزایند. در حالی که درآمد زنان هرگز در آمارهای محلی محاسبه نگردیده و فعالیت آنان را در خانه‌داری خلاصه می‌نمایند در صورتی که یافته‌های این تحقیق بیانگر این واقعیت است که زن روستایی یکی از اهم‌های مهمی است که در صورت نبود او خانواده چه از نظر فعالیت در عرصه‌های اقتصادی و چه از نظر مسئولیت خانه‌داری دچار خسارت زیادی می‌شود که چرخه تولید و ادامه روند زندگی را در خانوارهای روستایی با مشکل مواجه می‌سازد.

با این وجود مطالعات انجام گرفته در این تحقیق نشان می‌دهد رابطه مثبت و مستقیم بین میزان توانمندی‌های بالای اقتصادی زنان نقش اساسی در افزایش و قوت اقتصادی خانوار دارد. اگرچه دیدگاه حاکم بر جامعه روستایی بر این باور است که زنان فاقد هرگونه توانایی و قابلیت جهت اظهارنظر و تصمیم‌گیری درباره امور مختلف هستند، و صرفاً باید به کارهای منزل و پرورش کودکان پردازند ولی عملاً در کنار شوهران خود در امور تولیدی مشارکت دارند. این امر یا به دلیل برخی از سنت‌های حاکم بر جوامع روستایی است و یا به دلیل تعصب مردان است که زنان را در انجام بعضی از برنامه‌ها را ناتوان می‌داند در حالی که زنان روستایی به هر میزان امکانات و منابع دست یافتند، توانستند، نه تنها جایگاه خود را در خانواده بهبود بخشند، بلکه به اقتصاد خانواده و جامعه نیز کمک می‌نمایند. از نکات دیگری که پژوهش حاضر به آن پرداخته است، سطح تحصیلات زنان روستایی است که به نوعی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی آنان تأثیرگذار بوده است، به طوری که سطح تحصیلات رابطه معکوس با اشتغال آنان در قالبیابی دارند، زیرا با افزایش سطح تحصیلات، زنان روستایی رغبتی برای انجام فعالیت‌های سنتی ندارند و این امر ناشی از عدم ارتباط آموخته‌های آنان با شغل آنها است. اگر آموزش‌ها همسو با شغل زنان باشد نه تنها از علاقه آنان نمی‌کاهد بلکه موجب تشویق هرچه بیشتر آنان می‌گردد، و باعث اصلاح و بهبود مشاغل می‌شود. به این ترتیب باید پذیرفت که زنان روستایی یکی از عوامل و نیروهای پیش برنده اساسی جامعه روستایی به سويتوسعه است، و نقش اساسی آنان چه در مسئولیت‌های که در عرصه تولید دارند و چه مسئولیت‌های که در منزل دارند قابل اغماض و چشم‌پوشی نیست.

این تحقیق، گام بسیار کوچکی است در روشن کردن این نکته که جامعه ما با فعالیت‌های زنان روستایی که از مهمترین اقشار جامعه هستند، آشنائی بسیار ناچیزی دارد و چون هرگونه توسعه عموماً، و توسعه روستایی خصوصاً، بدون مشارکت آنان در تمامی عرصه‌ها امکان‌پذیر نیست، امید است گام‌های بلندی در زمینه مشارکت دادن آنان در تمامی امور برداشته شود. گرچه تا مقصد نهایی راه درازی در پیش است اما جهت‌گیری برنامه‌های توسعه می‌تواند چشم اندازی از موقعیت زناندر آینده باشد. باید پذیرفت که زن ستون استوار واحد خانواده است.

از جمله نکاتی که می‌تواند برای توسعه و تقویت این صنعت کمک کند می‌توان به سیاست‌گذاری برای حمایت از بافندگان مانند بازاررسانی، قیمت‌گذاری عادلانه توسط یک مرکز تخصصی، فراهم نمودن تسهیلات بانکی با سهولت تمام، صدور شناسنامه برای فرشهای تولیدی، اطلاع‌رسانی، برگزاری نمایشگاههایی تخصصی در داخل و خارج از کشور، برگزار کارگاههایی آموزشی در راستای افزایش کیفیت قالی، مطالعه و تحقیق در ارتباط با سلیقه مشتریها در داخل و خارج از کشور، تقویت و توسعه رنگرزیهای طبیعی و گیاهی و رسیدگی به بهداشت بافندگان و چکاب سالانه آنها جهت مصونیت در مقابل بیماریها و..... اشاره کرد.

منابع

۱. کولایی، الهه و طاهری، ابراهیم (۱۳۹۰). تاثیر توانمندی زنان بر توسعه روستایی در ایران، زن: حقوق و توسعه، **مجله تحقیقات زنان**، سال پنجم شماره اول انتشارات انجمن ایرانی مطالعات زنان
۲. کولایی، الهه و حافظیان، محمد حسین (۱۳۸۵). **نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران،
۳. علیائی، محمد صادق (۱۳۸۹). **بررسی وضعیت قالبیابی در شهرستان تکاب**. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران،
۴. لهسایی زاده، عبدالعلی و امید، افسانه (۱۳۸۰). بررسی پایگاه زنان در اقتصاد غیر رسمی. فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه

۵. پاپ زن، عبدالحمید و خالدی، خوشقدم و سلیمانی، عادل (۱۳۹۰). ارزشیابی آموزش های فنی و حرفه ای زنان روستایی در زمینه صنایع دستی، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت. **فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه شناسی زنان** سال دوم شماره سوم
۶. شادی طلب، ژاله (۱۳۸۰). بانک زنان روستایی حصاربن: حاصل یک رهیافت مشارکتی تهران، پژوهش زنان، **فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران** دوره ۱ شماره ۲
۷. محمدی، مهدی (۱۳۸۲). توانایی هایی زنان در اقتصاد تولید عشایز تهران. **پژوهش زنان**، فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران دوره ۱ شماره ۶
۸. سعدی، حشمت اله و شعبانی قمی و لطفی سمیه (۱۳۹۱)، سنجش میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل موثر بر آن تهران. **مجله زن در توسعه و سیاست**. دوره ۱۰ شماره ۲
۹. علیائی، محمد صادق (۱۳۸۶). بررسی ویژگی های اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی سهم آنان در درآمد خانوار تهران. **فصلنامه جغرافیایی سرزمین دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران** سال چهارم شماره ۱۶
۱۰. آگهی، حسین و پژشکی زاد، غلامرضا (۱۳۷۸)، ارزشیابی کار زنان روستایی در کشورهای در حال توسعه تهران **فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه** شماره ۲۸
۱۱. شکوری، علی (۱۳۸۰) پژوهشیدر توسعه ونابرابری در مناطق روستایی ، تهران ، **پژوهشهای جغرافیایی**. سال سی ونهم ، شماره ۴۱
12. Menon, L. (2003). Organization strategies in women's Health: an information and Action Hand book Manila: Ls is intermational